

اتمام ذخایرمعدان کوچک تا ۲۰۵۰

● معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور درباره اهمیت معدان کوچک‌مقیاس گفت: این نوع معدان با اینکه ذخیره کمی دارند، حدود ۸۰ درصد معدان ایران را به خود اختصاص داده‌اند. به گزارش روابطعمومی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، علیرضا شهیدی با بیان اینکه درحالی‌که حدود ۶۶ درصد کل معدان کشور مواد غیرفلزی و مصالح ساختمانی را در خود جای داده‌اند و مقدار کمی منابع فلزی دارند، گفت: اهمیت معدان کوچک پربرتگر می‌شود. او با اشاره به اینکه معدان کوچک می‌توانند در اشتغال اثرگذار باشند، تصریح کرد: با توجه به اینکه معدان کوچک به سرمایه‌گذاری کمی نیاز دارند، بخش خصوصی به‌راحتی می‌تواند در آن ورود کرده و دست به فعالیت بزند. به این ترتیب کوچک‌مقیاس‌ها در رشد اشتغال تأثیر بسزایی دارند. شهیدی درباره اهمیت توجه به اکتشاف ذخایر پنهان خاطر‌نشان کرد: در کل دنیا شرکت‌های معدنی بزرگ به این نتیجه رسیده‌اند که ذخایر معدان کوچک‌مقیاس تا سال ۲۰۵۰ به اتمام می‌رسد؛ در نتیجه باید هدف آنها اکتشاف ذخایر پنهان باشد. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به اقدامات سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور برای رشد اکتشافات گفت: از سال ۱۳۸۱ موضوع ژئوفیزیک هوایی را مرکز توجه قرار داده‌ایم تا به اکتشاف ذخایری برسیم که در زیر زمین نهفته هستند و شاهی از آنها در سطح زمین دیده نمی‌شود.

پرداخت حقوق معوق پرسنل هفت‌تبه باتلاش دستگاه قضائی

● **خبرگزاری میزان:** رئیس دادگستری شهرستان شوش از پرداخت دوماه حقوق معوق پرسنل شرکت هفت‌تبه خبر داد. جعفری چکنی، رئیس دادگستری شهرستان شوش، در گفت‌وگو با میزان اظهار کرد: با پیگیری دستگاه قضائی و از محل منابع توقیفی شرکت هفت‌تبه، حقوق‌های معوقه ماه‌های اردیبهشت و خرداد پرسنل شرکت هفت‌تبه پرداخت شد. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی دستگاه قضا، سه‌شنبه هفته گذشته در جریان نشست خبری خود، در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت پرونده هفت‌تبه گفت: در این زمینه نکته اول تداوم فعالیت شرکت نیشکر هفت‌تبه است و معتقدیم که فعالیت شرکت تحت هیچ شرایطی نباید تعطیل شود. برای این موضوع هم پیگیری‌های جدی کرده‌ایم. موضوع دوم رسیدگی به اتهامات مدیران این شرکت است که قوه قضائیه با جدیت پرونده اتهامی این افراد را رسیدگی می‌کند و اخیرا هم به لحاظ تکمیل کار، بخشی از پرونده به کارشناس ارجاع داده شده و برابر ضوابط و مقررات قانونی، به اتهامات متهمان این پرونده رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می‌کنیم.

ادامه از صفحه اول

صرفزدایی و کاهش ارزش پول ملی

...امروز به متوسط دلار ۱۵ رسیده است. یک دلیل عمده این افزایش، صرف‌نظر از تورم آهسته‌ای که در همه اقتصادهای جهان وجود دارد، افزایش جمعیت و بالا رفتن تقاضا بوده است؛ اما تأثیر تورم چیزی متفاوت از بازی اسکناس است. در همان زمان یادشده، دستمزد کارگر ساده در شهرها و روستاهای ایران چیزی در حدود ۲۵ ریال بود. امروز دستمزد کارگر ساده در ایران چیزی در حدود ۱۵۰ هزار تومان است. اگر کارگر بخواهد با همین دستمزد ظاهری یک سکه طلای رسمی بخرد، باید دستمزد ۷۸۰ روز کار کند. این تغییرات نشان‌دهنده تغییر طبیعی ارزش پول در طول زمان هستند. حذف شماری از صفرهای پول کاغذی در همه جای دنیا روزه داده است و پدیده تازه‌ای نیست؛ اما مشکل از اقتصاد خود دولت است. بانک مرکزی با بازی با بهای ارز امروز ریالی دولت را به شکل روزانه اداره می‌کند. از سوی دیگر کاربرد این روش نوعی مشارکت دولت با بخش خصوصی برای تأمین نیازهای ارزی است. با بالابردن بهای ارز خارجی، دولت‌ها بخشی از نیازهای خود را از جیب مردم تأمین می‌کنند؛ اما صدای‌شان در نمی‌آید؛ بنابراین گفتن اینکه دولت و پولد گران شد، بازتاب فعالیت بازار نیست؛ بلکه گویای مهندسی روزانه ارز از سوی خود دولت است. نمونه دیگر از شگردهای مرسوم، چندرخ‌کردن دلار است. دولت در مواردی دلار را با نرخ چهار هزار تومان می‌فروشد؛ اما همان دلار را بالاتر از ۱۵ هزار تومان به مسافر می‌دهد. به زبان دولتی می‌گویند دلار گران شد و از مرز فلان عدد گذشت؛ درحالی‌که باید بگویند «گران کردیم؛ چون صلاح‌مان در این بود». در لهجه خراسانی «رفتن» معنای «شدن» دارد. در نیشابور به این‌انکه بگویند چرخ «پنجر شده» می‌گویند «پنجل رفته» و تقصیر را از خودشان دور می‌کنند. در نظام بانکی و دولتی موارد زیادی از کارهای ناصواب صورت گرفته است؛ ازجمله تخصیص وام‌های کلان بانکی به دوستان و هم‌دستان که موجودی بانک را برای ارائه وام‌های کوچک به نیازمندان مرمومی به‌شدت کاهش داده است. تخصیص وام‌های کلان یا به زور صورت می‌گیرد که بانک بیچاره توانایی مقابله با آن را ندارد یا با عشق و علاقه به دوستان و بستگان عزیز نمونه‌هایی از هـر دو مورد بارها فاش شده است؛ اما تضمینی نیست که ما به پایان داستان رسیده باشیم.

شرق: «شرکت‌های کاغذی صندوق بازنشستگی کشوری تعیین تکلیف می‌شوند»؛ این خبر از اسفند سال ۹۸ دست‌به‌دست شد و حالا خبر قطعی آمده که این شرکت‌ها منحل شده‌اند. حسن تاجیک، معاون سرمایه‌گذاری و امور اقتصادی صندوق بازنشستگی کشوری، در گفت‌وگویی، از جزئیات ماجرای شرکت‌های کاغذی در این صندوق می‌گوید. به گفته او، سه موضوع اصلی در قالب سه کمیته مجزا در دستور کار صندوق بازنشستگی کشوری قرار گرفته‌اند: موضوع اول مربوط به ورود شرکت‌های صندوق به بورس است؛ البته آن دسته از شرکت‌هایی که امکان و آمادگی ورود به بورس را داشته باشند. موضوع دوم، ساماندهی شرکت‌های صندوق است که بحث شرکت‌های کاغذی هم در آن به میان می‌آید و موضوع سوم، پروژه‌هایی است که به دلایل مختلف متوقف مانده و حالا باید در قالب سه مکارپروژه پیش برود. تاجیک در این گفت‌وگو از جزئیات مربوط به شرکت‌های کاغذی در صندوق بازنشستگی کشوری می‌گوید و تأکید می‌کند که این شرکت‌ها، صرفا شرکت‌هایی هستند که فعالیت‌شان متوقف شده و اکنون باید منحل یا با شرکت‌های دیگر ادغام می‌شوند.

❧ **آقای تاجیک! اگر موافق باشید بحث را با تغییرات سال‌های اخیر در صندوق بازنشستگی کشوری شروع کنیم. به نظر می‌رسد صندوق راهبردهای جدیدی را تعریف کرده که در قالب اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت دنبال می‌شود. این راهبردها را چطور جمع‌بندی می‌کنید؟**

سهه موضوع به‌صورت راهبردی در دستور کار مجموعه صندوق بازنشستگی کشوری قرار گرفت. این موضوعات در قالب سه کمیته پیگیری می‌شوند. یک کمیته مدیریت پرتفو است که درواقع از یک‌سو بهینه‌کردن پرتفوی بورسی صندوق بازنشستگی کشور را دنبال می‌کند و از سوی دیگر به شرکت‌هایی می‌پردازد که امکان و آمادگی ورود به بورس را داشته باشند. این شرکت‌ها باید الزامات سازمان بورس را برای عرضه سهام داشته باشند، دستکم دو تا سه سال سوده‌بود باشند و به‌علاوه صورت مالی آنها دارای کمترین بند حساسرسی باشد. دومین موضوعی که در دستور کار قرار گرفت، کمیته ساماندهی شرکت‌های صندوق است. در این قالب ما شرکت‌هایی را که اغلب متوقف، کاغذی یا زیان‌ده بودند یا فعالیت‌های موازی داشتند، در دستور کار قرار دادیم و در همین قالب برای ساماندهی شرکت‌ها اقدام شد.

سومین موضوعی هم که در دستور کار قرار گرفت، پروژه‌هایی بود که در سنوات قبل شروع شده بود، اما به دلایل مختلف ازجمله تأمین مالی، اختلاف بین پیمانکار و مجری یا اختلاف‌هایی که با سیستم بانکی داشتند یا به هر دلیل دیگری متوقف شده بود و برای حل‌وفصل موضوعات در کمیته نظارت بر پروژه‌ها مطرح شد. اصطلاحا سه مکارپروژه بود که اینها متوقف بودند و در قالب کمیته نظارت بر پروژه‌ها در دستور کار قرار دادیم. این سه موضوع اصلی و محوری بود که در کنار سایر امور انجام شد؛ اموری مثل اصلاح ساختارهای مدیریتی و مالی شرکت‌ها و ساماندهی نظام بودجه‌ریزی و برگزاری مجامع آنها در موعد مقرر که این موارد در این سه قالب ساماندهی شد.

❧ **از شرکت‌های کاغذی در صندوق بگویید. چه تعداد شرکت کاغذی در صندوق وجود داشت که برای انحلال اقدام کردید؟**

تعداد ۲۷ شرکت به‌عنوان شرکت‌های زیان‌ده، غیرفعال یا متوقف‌شده شناسایی شدند. این شرکت‌ها یا برای انجام موضوعی خاص تأسیس شده بودند که اقدام جدی درباره آن موضوع خاص انجام نشده بود یا به‌دلایل مختلفی ازجمله مشکلات سهام‌داران در تأمین و اجرای پروژه خاص متوقف شده بودند. این شرکت‌ها را به‌منظور انحلال در دستور کار قرار دادیم که اکثرا در قالب هلدینگ‌های مختلف فعالیت می‌کردند. وقتی از شرکنی به اسم کاغذی یاد می‌شود، چه زیان‌ده و متوقف‌شده باشد، چه به دلایل مختلف برای پروژه‌ای تأسیس شده و



فعالیتی انجام نداده باشد، درهرصورت برای اداره آنها اعضای هیئت‌مدیره تعیین شده بود و منابعی هم به‌عنوان سرمایه اولیه یا سایر دارایی‌ها به این شرکت‌ها تخصیص داده شده بود. به‌مرحال دفتر و مکانی اشغال شده یا آثار مالی و هزینه‌ای در صورت‌های مالی هلدینگ‌های صندوق ایجاد کرده بود. پس از ساماندهی شرکت‌ها و اصلاح حساب این هلدینگ‌ها در قالب تدوین برنامه ساماندهی شرکت‌ها، موضوع انحلال این شرکت‌ها در دستور کار قرار گرفت. انحلال این شرکت‌ها باعث شد هم بخشی از منابع هلدینگ‌های صندوق آزاد شود و هم اصلاح ساختار مدیریتی صورت گرفت و تا حدودی، هیئت‌مدیره‌هایی که معرفی شده بودند، ساماندهی شدند و تعدادی از مجموعه جدا شدند. به این اقدام، تعداد شرکت‌هایی که شاید به‌صورت واقعی تحت پوشش صندوق نبودند، اما اسامی و سوابق آنها ساختار صندوق و هلدینگ‌ها را متورم کرده بود، کاهش یافت و نظمی به خود گرفت. کاهش این تعداد شرکت نظام مدیریتی را متمرکزتر می‌کند و به شرکت‌هایی که فعالیت بااهمیت و جدی‌تر دارند، کمک می‌کند تا برای اصلاح ساختار مالی و مدیریتی‌شان بیشتر متمرکز شویم. در همین قالب تقریبا حدود ۲۲ شرکت نیز که دارای فعالیت‌های موازی بودند، در قالب طرح ادغام ساماندهی شدند.

❧ **ادغام شرکت‌ها به چه صورت انجام شده است؟ چه شرکت‌هایی را ادغام کرده‌اید؟**

شرکت‌هایی داشتیم که مأموریت‌ها یا فعالیت‌های مشترک داشتند. ابتدا یا در زمینه فعالیت‌های مشترک با هم رقابت و در حوزه کار همدیگر دخالت می‌کردند یا اینکه عملا مأموریت مشترک داشتند و می‌شد با اصلاح ساختار، فعالیت‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌هایی را که مدنظرشان است، به یک شرکت صادر بسپاریم. پس این شرکت‌ها را ادغام کردیم. این ادغام در قالب افزایش بازده به مقیاس فعالیت شرکت کمک می‌کند تا بازدهی بیشتری برای صندوق داشته باشد. وقتی تعداد شرکت‌ها با موضوع فعالیت مشترک زیاد می‌شود، بازدهی آنها کاسته می‌شود و هزینه‌های ثابت و متغیر آنها روی بازدهی‌شان تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. این ادغام در قالب هم‌افزایی، چه ازنظر سرمایه‌ای و چه از نظر نیروی انسانی مورد نیاز، به ما کمک می‌کند که بتوانیم بازدهی بیشتری را از این مجموعه شرکت‌ها داشته باشیم. این یک مأموریت اساسی بود که در قالب کمیته ساماندهی صورت گرفت؛ البته به پیشنهاد مدیرعامل صندوق در سال ۹۹ که به‌عنوان «سال افزایش تولید» هم نام‌گذاری شده است، به‌عنوان سومین مأموریت و برنامه محوری تصمیم‌های کمیته ساماندهی، برنامه دیگری هم در دستور کار قرار گرفت که تدوین شاخص‌های فعالیت شرکت‌ها در قالب جهش تولید است. شرکت‌ها علاوه بر اینکه برنامه جاری خودشان را دنبال می‌کنند و بودجه سال ۹۹ خود را هم در همین قالب اعلام کرده‌اند، در این برنامه مشارکت کردند و یک برنامه جهش تولید از آنها خواسته شد. این برنامه با لحاظ تأثیرات ویروس کرونا بر کشور تدوین شد تا بتوانیم منافع و بازدهی بیشتری را ناشی از تلاش مضاعف مدیران

اقتصاد

معاون سرمایه‌گذاری و امور اقتصادی صندوق بازنشستگی کشوری از روند اصلاحات ساختاری در شرکت‌های تابعه می‌گوید

۲۷ شرکت کاغذی صندوق بازنشستگی منحل شد



شرکت‌ها و هلدینگ‌ها داشته باشیم و میزان بازدهی شرکت‌های تحت پوشش صندوق را افزایش دهیم. هدف هم این بود که شرکت‌ها نسبت به دارایی‌هایی که داشتند، هزینه‌هایشان را هم مدیریت کنند و کاهش دهند و به تناسب بتوانند با افزایش فروش و کسب درآمد، سود و بازدهی بیشتری به صندوق برسانند که صندوق بتواند در قالب تأمین مالی، کمک بیشتری را در پرداخت حقوق بازنشستگان داشته باشد و از ظرفیت شرکت‌های تحت پوشش بهره بگیرد و فشار بر نظام بودجه‌ای کشور را تا حدودی تعدیل کند.

❧ **با این اقدامات در چه میزان منابع مالی صرفه‌جویی کرده‌اید؟**

عدد قطعی را نمی‌توان الان گفت و همه اینها پیش‌بینی است. میزان اثربخشی این اقدامات را قطعا در پایان دوره مالی می‌توان تعیین کرد؛ اما بحث برنامه جهش تولید، تقریبا به‌طور متوسط حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد بالاتر از بازدهی پیش‌بینی‌شده‌ای را که شرکت‌ها در قالب نظام بودجه‌ریزی به ما اعلام کردند، در اختیار کمک به تأمین منابع مالی صندوق قرار خواهد داد.

❧ **اصولا شرکت‌های کاغذی چرا به وجود می‌آیند؟ معمولا این شرکت‌ها چه کارکردی دارند؟**

این شرکت‌ها در بدو تأسیس کاغذی نیستند و نمی‌شود اسم آنها را کاغذی گذاشت و برای مأموریت خاصی تأسیس می‌شوند. شرکت‌هایی که در نظام اقتصادی ما از آنها تحت عنوان کاغذی یاد می‌شود، به این معناست که برخی از فرصت‌طلبان اقتصادی یک‌سری شرکت تأسیس می‌کنند برای بهره‌برداری شخصی خودشان و از آن شاید برای بعضی اهداف غیرواقعی و غیراقتصادی، سواستفاده‌های اقتصادی می‌برند؛ اما در مجموعه‌هایی مثل صندوق بازنشستگی، تأسیس این شرکت‌ها لزوما به اسم شرکت کاغذی نیست. ابتدا برای یک پروژه یا مأموریت خاص تأسیس می‌شوند که بتوانند آن مأموریت خاص را در قالب شرکت راهبری کنند. ما شرکت‌هایی داریم که فعالیت‌های مشخصی دارند؛ گاهی در هلدینگ‌ها لازم است برای اجرای پروژه جدید، یک شرکت جدید تأسیس کنند که این شرکت‌ها عموما دو گونه هستند؛ یا در قالب شرکت‌پروژه هستند که با اجرای پروژه، عمر و مأموریت آنها به پایان می‌رسد یا در قالب شرکت سهامی خاص شکل می‌گیرند که بتوانند آن مأموریت با پروژه را پیش ببرند.

مثلا اگر بخواهیم یک نیروگاه یا یک واحد اقتصادی تولیدی خاص احداث کنیم، این فعالیت باید در قالب یک شرکت مستقل فرایندهای خود را راهبری کند. پس اگر نوع سرمایه‌گذاری آن اجرای طرح توسعه نباشد و هدف آن راه‌اندازی یک واحد تولیدی، اقتصادی یا خدماتی جدید باشد و در راستا هم جهش با تولید، خدمات و محصولات شرکت اصلی نباشد، باید در قالب یک شرکت جدید فعالیت کند. مدیران برای اینکه بتوانند این برنامه‌های خود را پیش ببرند، این شرکت‌ها را تأسیس می‌کنند؛ اما گاهی پروژه‌ها به دلایل اقتصادی، تدوین مدل سهام‌داری یا بحران‌های پیش‌بینی‌نشده، به سرانجام نمی‌رسند؛ بنابراین این شرکت‌ها به صورت پوسته‌ای

باقی می‌مانند و فعالیت جدی را در قالب شرکت شروع نمی‌کنند یا شاید فعالیت هم شروع می‌شود، ولی به دلایلی دچار زیان‌های مالی و اقتصادی شده و برای جلوگیری از زیان بیشتر متوقف شده‌اند. اینها را در قالب شرکت‌های متوقف‌شده و راکد شناسایی کردیم و در جهت ساماندهی آنها قدم برداشتیم.

❧ **روند حذف این شرکت‌ها چگونه بود؟ راه‌سازی انحلال آنها، چه بازتابی ایجاد شده است؟**

انحلال این شرکت‌ها بسته به ترکیب سهام‌داری‌هایشان متفاوت است. شرکت‌هایی که صد درصد متعلق به صندوق بوده، راسا با تهیه گزارش توجیهی و رعایت فرایندهای قانونی و تصویب مراجع در مسیر انحلال قرار گرفته‌اند. آنها که به‌نوعی مربوط به خود صندوق یا هلدینگ‌های تحت پوشش بوده‌اند نیز با رعایت همین فرایند با تأیید هیئت‌مدیره و تصویب مجمع و براساس شرایطی که در قانون تجارت پیش‌بینی شده، نسبت به انحلال شرکت اقدام می‌کنند. اما گاهی شرکت‌ها سهام‌دار غیر دارند؛ یعنی لزوما صندوق بازنشستگی یا هلدینگ‌های تحت پوشش دارای سهام صدرصدی نبوده‌اند و درصدی از این سهام متعلق به سهام‌داران غیر است. در این حالت، یا باید به‌صورت توافقی این فرایندها و مجمع برگزار شود و نسبت به انحلال شرکت‌ها اقدام شود یا اینکه در صورت عدم‌مشارکت سهام‌دار غیر که خارج از هلدینگ‌های تحت پوشش صندوق است، در قالب دادخواستی که به مقام‌های قضائی داده می‌شود، نسبت به تقاضای انحلال این شرکت‌ها اقدام خواهد شد. بعد از تأیید دستگاه قضائی که منجر به دعوت از سهام‌داران و تأیید آنها می‌شود، نسبت به این مسئله اقدام خواهد شد و در قالب همان مجمع، انحلال صورت خواهد گرفت.

❧ **پس این شرکت‌ها به‌هرحال در ابتدا، به‌عنوان شرکت کاغذی ثبت نمی‌شوند. این، یعنی سایر شرکت‌ها هم در آینده امکان دارد به شرکت کاغذی تبدیل شوند. آیا اقدامی کرده‌اید که در آینده شرکت‌ها به شرکت کاغذی تبدیل نشوند؟**

ما بنا را بر این گذاشته‌ایم که تا زمانی‌که مأموریت ما برای شرکت‌ها منجر به تهیه طرح‌های توجیهی نشود و فرایند نظام تصمیم‌گیری طی نشود و اسناد اجرای طرح به تأیید نرسد، نسبت به تأسیس شرکت‌های جدید اقدام نکنیم؛ یعنی، در قالب موضوع یا محتوای جدید شرکت تأسیس نکنیم بلکه براساس یک پروژه جدید که توجهات فنی و اقتصادی آن، کلیاتش به تأیید و تصویب ارکان رسیده و امکان عملیاتی‌شدن و تأمین مالی‌اش مهیا شده، اقدام به راه‌اندازی شرکت جدید کنیم.

❧ **در صندوق بازنشستگی، وقتی از شرکت‌های کاغذی سخنی به میان می‌آید، دقیقا به چه معناست؟**

عنوان کاغذی معمولا به این صورت است که دو برداشت از آن می‌شود. یک برداشت با نگاه اقتصادی می‌شود که به‌هرحال با یک مأموریتی شرکت‌ها تأسیس شده‌اند اما اقدامی صورت نگرفته است. بخش دیگر غیراقتصادی و بحث سواستفاده‌های اقتصادی است که معمول صندوق‌ها نمی‌شود. بیشتر اتفاقاتی است که در پرونده‌های مفاسد اقتصادی اخیرا با آنها مواجه شده‌ایم. این است که برخی از افراد شرکت‌هایی را با نیت سوء تأسیس می‌کنند و برای اینکه سواستفاده و حواشی‌ای برای مالکین و سهام‌داران اصلی به وجود نیابد، آنها را به اسم سهام‌داران غیر راه‌اندازی می‌کنند. بعد از اجرای یک یا دو مأموریت خاص، فعالیت آنها متوقف و رها می‌شوند. گاهی از این نوع سواستفاده از شرکت‌ها به‌عنوان شرکت‌های کاغذی یاد می‌شود؛ اما این مسئله درمورد صندوق‌های بازنشستگی جایگاهی ندارد. این شرکت‌ها برای یک مأموریت خاص اقتصادی تأسیس شده‌اند، اما به‌دلایلی یا در قالب عدم تأمین مالی یا به‌دلیل توجیه‌پذیرنبودن پروژه‌هایی که تعریف شده، فعالیتشان متوقف شده و بیشتر از این جنس بوده است؛ یعنی به مفهوم کلی کارکرد خود درواقع از دست داده‌اند.

انتشار «اوراق با پشتوانه مالیات» راهکاری جایگزین برای طرح پیش فروش نفت

ابوالفضل گرمابی
پژوهشگر پولی و مالی

● با توجه به شدت‌گرفتن اثرات تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد ایران و ناتوانی دولت در تحقق درآمدهای پیش‌بینی‌شده از مسیر صادرات نفت و میعانات گازی در سال ۱۳۹۹، طرح پیش‌فروش نفت به‌عنوان راهکاری برای تأمین مالی بودجه مطرح شده است. براساس طرح مزبور، قرار است ۲۲۰ میلیون بشکه نفت در یک سال با سررسید دوساله با نرخ ارز سنا با انتشار اوراق سلف موازی به فروش برسد. این اوراق امکان خرید و فروش در بازار سرمایه را خواهند داشت و شرکت ملی نفت متعهد به تحویل نفت به دارندگان اوراق در موعد تحویل با فروش آن به وکالت از طرف دارنده اوراق خواهد بود. براین‌اساس، پیش‌بینی می‌شود چنانچه به‌طور مانگین قیمت نفت ایران در یک سال آینده حدود ۴۵ دلار باشد و نرخ ارز نیز حدود ۲۲ هزار تومان فرض شود، بیش از ۲۱۵ هزار میلیارد تومان اوراق سلف نفتی از این مسیر پیش‌فروش خواهد شد. باین‌حال، با وجود بالابودن رقم عواید برآورده‌شده از این محل، طرح مزبور واجد ایراداتی جدی است که توجه به آنها و مقایسه آثار طرح با گزینه‌های جایگزین، ضروری به نظر می‌رسد.

از ایرادهای اصلی طرح با فرض اجرای موفقیت‌آمیز آن، عواقب خطرناک آن در افزایش بار تعهدات مالی دولت است. بر این اساس، چنانچه اوراق مزبور به‌طورکامل فروش رود، بار مالی پرداخت اصل و سود اوراق یادشده که در این طرح حداقل برابر نرخ سود سپرده بانکی است، بسیار بالا خواهد بود. چنانچه نرخ سود تضمین‌شده منصوب ۱۸ درصد در نظر گرفته شود، علاوه بر تعهد دولت در بازپرداخت اصل ۲۱۵هزارمیلیاردتومانسی، حداقل ۷۷ هزار میلیارد تومان بابت سود اوراق مزبور در سه سال آینده باید پرداخت شود. این موضوع در شرایطی که دارندگان اوراق در زیان شریک نخواهند بود، نقص جدی طراحی این اوراق به‌عنوان یک ابزار مالی است. با وجود این، گزینه واقع‌بینانه، توسان قیمت‌های رو به بالا و محروم‌شدن دولت از درآمدها حاصل از افزایش قیمت نفت خواهد بود. همچنین فشار بر بازار ارز از سوی خریداران عمده اوراق (که احتمالا خریداران بلوکی خواهند بود) به‌منظور افزایش نرخ ارز در زمان سررسید و کسب سود بیشتر، یکی از اتفاقات بسیار محتمل است. البته در شرایطی که گشایشی در امر مبادلات مالی بین‌المللی رخ ندهد و تحریم‌های اقتصادی در دو سال آینده به قوت خود باقی بماند، ابعاد جالش احتمالی در بازپرداخت تعهدات بسیار بزرگ‌تر و خارج از تصور خواهد بود.

یکی از مشکلات مهم طرح یادشده، این است که به احتمال زیاد نرخ کشف قیمت نفت در بازار به دلیل ریسک بالای این اوراق، خیلی پایین باشد و منابع برآورده‌شده تحت‌نیاید. این مشکل می‌تواند در نتیجه دستکاری در بازار ارز از سوی برخی خریداران مؤثر با قدرت بازار بالا، دوچندان شود. از طرف دیگر، با توجه به اینکه در این طرح اختیار خرید و فروش اوراق و برداشت نفت به خریدار اوراق داده شده است، بروز نوسانات عرضه و تقاضا و نرخ‌های بازار بسیار بالا می‌رود و مدیریت زمان سررسید را از سوی دولت با مشکلی جدی مواجه می‌کند.

اوراق با پشتوانه مالیات

با توجه به چالش‌هایی که به آن اشاره شد و لزوم ارائه راهکاری در برهه حساس کنونی، انتشار «اوراق با پشتوانه مالیات» به‌عنوان ابزاری جایگزین برای طرح اوراق سلف نفتی بسیار مفید خواهد بود. اگرچه اوراق با پشتوانه مالیات، مختصاتی شبیه اوراق موجود در بازار بدهی دارند، اما درنظرگرفتن شرایطی خاص برای آنها می‌تواند تفاوت‌ظریف و مهمی ایجاد کند و مقاصد کنونی دولت و جامعه اقتصادی را تأمین نکند. مطابق تعاریف، «اوراق بدهی با پشتوانه مالیات» مشابه اوراق بهادار استاندارد دولتی هستند، به‌جز اینکه آنها شامل یک وضعیت مشروط نیز می‌شوند؛ به این صورت که چنانچه دولت پرداخت‌های خود بابت اصل و سود اوراق مزبور را نکول کرد، اوراق با پشتوانه مالیات می‌توانند به‌عنوان پرداخت مالیاتی پذیرفته شوند. اگرچه طراحی این ابزار برای کشورهای اروپایی با توجه به کاهش ریسک اوراق بدهی (به‌دلیل پشتوانه مالیاتیتی) و ناتوان‌کردن دولت از نکول اوراق مزبور، نرخ سود اوراق را پایین می‌آورد، اما این اوراق برای کشور ایران می‌توان کاربرد ویژه‌ای داشته باشد. زمینه ارائه راهکار «اوراق با پشتوانه مالیات» را باید در مشکلاتی که بحران مالی اخیر برای برخی کشورهای اروپایی به وجود آورد، جست‌وجو کرد.

افزایش بار تعهدات دولت در موارد مشابه، به‌خصوص در کشورهای حاشیه‌ای بحران‌زده اروپا همچون یونان و ایتالیا، موجب شد که کشورهای از کشورهای ثروتمند اتحادیه اروپا مانند آلمان درخواست کنند به‌منظور نجات مالی وارد عمل شده و بدهی‌های آنها را خریداری کنند.

ادامه در صفحه ۵